

## عنوان مقاله:

نقد و بررسی جایگاه قیاس و کاربرد آن در حقوق موضوعه ایران

## محل انتشار:

نهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارافزینی ایران (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

## نویسندگان:

زهرا سادات میرهاشمی - استادیار دانشگاه الزهراء(س)

فریناز سادات خطیبی - کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء(س)

## خلاصه مقاله:

از مسائل اختلافی میان امامیه و مذاهب اربعه اهل تسنن در استنباط احکام شرعی استناد به قیاس است. قیاس سرایت حکم اصل (معلوم الحکم) به فرع (مجهول الحکم) به جهت تشابه آن دو در علت حکم است. از آنجا که نظام حقوقی ایران مبتنی بر مذهب امامیه است، در امر قانون گذاری همواره باید از نظرات و دیدگاه های فقها بهره گرفت و تنها منابع معتبر در فقه شیعه را مورد استفاده قرار داد. با این حال سوال اصلی این است که با توجه به نقش موثر فقه در تعالی حقوق، آیا می توان بدون در نظر داشتن جایگاه قیاس در فقه، به استعمال آن در بخش های مختلف حقوق پرداخت؟ در صورت استعمال به چه حدی باید قناعت کرد و محدوده به کارگیری آن تا کجاست؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی می باشد و گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه ای صورت گرفته است. در پایان می توان چنین نتیجه گرفت که علی رغم وحدت قلمرو فقه و حقوق در بسیاری از موارد، نباید از تفاوت منبع و روش این دو غافل شویم. این تفاوت ها سبب می شود هنگامی که قضات با قضایای مختلفی جهت رفع خصومت رو به رو می شوند، برای رفع خلاء قانونی موجود، گاهی به روش های عقلی همچون قیاس متوسل شوند. حاکمیت قانون و عدالت نیز اقتضای خلاف این را نمی طلبد. اصل ۱۶۷ قانون اساسی به خوبی موید این ادعاست. البته کاربرد قیاس در حقوق بر طبق اصل مذکور، معارض با آرای فقها نیست. زیرا تمام انواع قیاس در فقه امامیه مردود نمی باشد. بلکه اگر با روش های قطعی بتوانیم به درک علت آن برسیم، در فقه نیز روشی پسندیده و مستعمل است. به طور کلی در مواردی که منابع موجود برای صدور حکم از سوی قاضی ناکافی باشد، بنابر اجازه قانون گذار او موظف به کشف اراده مقنن از طریق قیاس و احقاق حق می باشد. عملکرد اندیشمندان حقوق و رویه قضایی نیز مثبت همین روش است.

## کلمات کلیدی:

اصل، خلاء قانونی، فرع، فقه امامیه، قیاس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1562158>

